

بورلی کلی یری
ترجمه ی پروین علی پور

رامونا همیشه راموناست

ofoqbooks.com
ofoqkidsandteens
ofoqkidsandteens

فهرست

- ۷ عمومی پولدار
- ۳۵ مشکل رامونا
- ۵۳ خوب بودن
- ۶۹ پیکی - پیکی
- ۸۵ اون!
- ۱۰۵ یک خبر کمی غافلگیرکننده!
- ۱۲۵ زنجیره‌ی مراقبت
- ۱۳۹ خانواده، دور هم جمع می‌شوند
- ۱۵۳ رامونا به داد می‌رسد!
- ۱۷۵ یک رویداد بزرگ دیگر!

عموی پولدار



غروبِ یک روزِ جمعه که خاله بئا، برای خوردن
شام و نشان دادنِ لباسِ اسکی جدیدش به خانواده‌ی
کویم‌بی سر زده بود، رامونا کویم‌بی پرسید:

«حدس بزنید چی شده!؟» مادرِ رامونا، پدرش و خواهر بزرگش
بئاتریس، اعتنایی نکردند و به شام خوردنشان ادامه دادند. از
زیرزمین، صدای میومیوی گربه‌شان، پیکی - پیکی می آمد که
غذا می خواست.

خاله بئا که خودش معلم کلاس سوم بود، می دانست با
خواهرزاده‌ی کلاس سومی اش چه طور رفتار کند. چنگالش را
پایین گذاشت و با لحنی که انگار منتظر است از شنیدن خبرِ
رامونا یگه بخورد، پرسید: «چی شده؟»